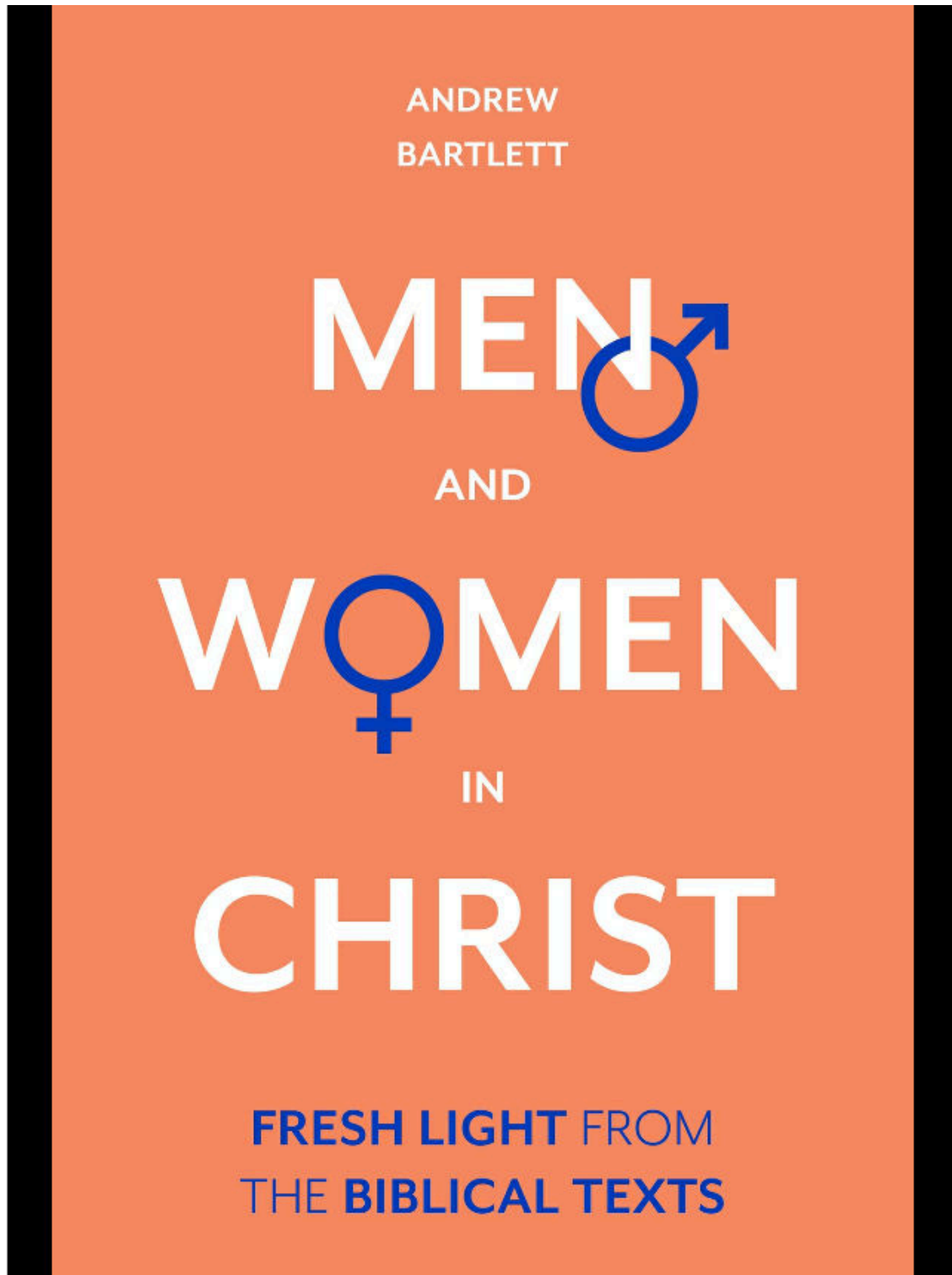


اندرو بارتلت (Andrew Bartlett) KC امروز عمدتاً به عنوان میانجی بین المللی فعالیت می کند. او که اندیشمندی تیزبین است، موضوع نقش زن و مرد را در عهد جدید و در کل کتاب مقدس، با در نظر گرفتن همه استدلال های الهیاتی، بررسی کرده و از همه جوانب به آن پرداخته است. او می کوشد بی طرفانه به این موضوع بپردازد، و به نظر من در این کار موفق شده است. این را از آنجا می توان دریافت که او در برخی جاها موضع برابری را نیز نقد می کند، آنجا که استدلال ها به سادگی ضعیف اند یا خوب مستدل نشده اند. این سند شامل خلاصه فصل های اصلی است که خود بارتلت نوشته است.



ترجمه آلمانی: Hans-Jörg Ronsdorf، بازنگری شده در اکتبر 2026.

این سند با اجازه اندرو بارتلت در وبسایت www.hans-joerg-ronsdorf.de منتشر شده است.

من، در هماهنگی با کتاب مقدس، بر این باورم که زنان نیز باید در کلیسا خدمات تعلیم و رهبری را بر عهده بگیرند تا به سلامت کلیسا کمک کنند.

25 مه 2025

خلاصه فصل 1: بازاندیشی در سنت، جست وجوی وحدت

1. وحدت مسیحیان بر اثر شکافی قطبی کننده میان برابری گرایان و مکمل گرایان آسیب دیده است.
2. تفسیر سنتی کتاب مقدس، که بر پایه آن زنان ذاتاً از مردان فروترند، به درستی کنار گذاشته شده است، زیرا بیشتر بر فرهنگ پدرسالارانه استوار است تا بر خود متن. امروز هم برابری گرایان و هم مکمل گرایان زنان و مردان را ذاتاً هم ارزش می دانند و اکنون می پذیرند که زنان می توانند در جامعه به طور کلی وظایف رهبری را بر عهده بگیرند. اما مکمل گرایان بر رهبری مرد در کلیسا و در ازدواج پافشاری می کنند.
3. تفسیر امین از کتاب مقدس، کلام را بر سنت مقدم می دارد، به فرهنگ توجه می کند، در بافت متن به زبان اصلی بازمی گردد، در پی هماهنگی و انسجام است و رویکردی کائنی و مسیح محور را دنبال می کند؛ و این همه را با گشودگی روحانی و حکمت عملی انجام می دهد (پیوست 1).
4. به کار بستن این روش ها به نتیجه گیری های این کتاب می انجامد، یعنی اینکه موضع مکمل گرا و موضع برابری گرا هر یک تا اندازه ای درست و تا اندازه ای نادرست اند.
5. اگر مسیحیان بتوانند در این مسائل به یکدیگر نزدیک تر شوند، این کار خداوند را خشنود خواهد کرد و خدمت کلیسا را به عنوان نمک و نور در جهانی سردرگم و زخم خورده تقویت خواهد کرد.

خلاصه فصل 2: شوهر و همسر، مردان و زنان: اول قرتیان 7

1. هرچند اول قرتیان 7 به عنوان طولانی ترین بحث درباره ازدواج در عهد جدید برجسته است و تنها اشاره صریح عهد جدید به اقتدار شوهر را در بر دارد، این بخش در تحلیل های مکمل گرا معمولاً نادیده گرفته یا کم اهمیت جلوه داده می شود.
2. جهان بینی پولس مسیح محور است. آفرینش همچنان در نظر است، اما رستگاری و آفرینش تازه در قانون قرار دارند. دیدگاه او درباره ازدواج این را در نظر دارد که مسیح موعود آمده و پایان در چشم انداز است. این امر همه شرایط کنونی زندگی ایمانداران را نسبی می کند؛ در مقایسه با آنچه خواهد آمد، این شرایط بی اهمیت می شوند. در این پرتو، او تجرد را توصیه می کند و از دیدگاهی به طرز چشمگیری برابر درباره ازدواج دفاع می کند.
3. چنان که پولس در آیات 3-5 تعلیم می دهد، شوهر و همسر اقتداری برابر دارند. او تصمیم گیری یک جانبه را رد می کند. رهبری شوهر، اگر به معنای اقتدار یک جانبه بر همسرش فهمیده شود، در تضاد مستقیم با تعلیم رسول است.

4. آیات 3-5 را نمی‌توان به درستی استثنایی ویژه بر اقتدار یک‌جانبه شوهر دانست که فقط درباره رابطه جنسی و دعای مشترک صدق کند.
5. تا آنجا که از آیات 1-16، 25-28 و 32-40 برمی‌آید، پولس برابری کامل را در روابط شخصی میان مردان و زنان در نظر دارد. اگر پولس به اقتداری سلسله‌مراتبی و یک‌جانبه از سوی شوهر بر همسر باور داشت، توضیح‌ناپذیر می‌نمود که چنین سخنانی نوشته است.
6. این بدان معنا نیست که پولس به مفهوم امروزی برابری‌گرا است. او افراد را فرامی‌خواند که در ازدواج حقوق خود را مطالبه کنند؛ بلکه هر یک از دو طرف برابر را فرامی‌خواند که در برابر دیگری تسلیم باشد، در هماهنگی با رومیان 12:10؛ غلاطیان 5:13؛ فیلیپیان 2:3.

خلاصه فصل 3: سلسله‌مراتب، تسلیم و محبت: کولسیان 3 و افسسیان 5

1. نامه‌های کولسیان و افسسیان تقریباً در یک زمان نوشته شدند و قرار بود از کلیسایی به کلیسای دیگر دست‌به‌دست شوند؛ از این رو بجاست که آن‌ها را با هم بررسی کنیم.
2. پولس سلسله‌مراتب را، آنجا که بجا باشند، رد نمی‌کند.
3. واژه «تسلیم شدن» (*hupotassō*) این مفهوم را در بر دارد که کسی از نظر رتبه زیر دست دیگری قرار گیرد. اما دستور پولس به زنان که تسلیم باشند، به‌خودی‌خود هنوز سلسله‌مراتبی را در ازدواج پیش‌فرض نمی‌گیرد. باید تصمیم بگیریم که آیا منظور او این است که زنان باید تسلیم باشند چون شوهرانشان بر آنان اقتدار دارند، یا منظورش این است که زنان باید چنان رفتار کنند که گویی شوهرانشان بالاتر از آنان قرار دارند.
4. تسلیم در روابط مسیحی به معنای اطاعت بی‌چون‌وچرا از انسانی دیگر نیست. هیچ وظیفه مسیحی‌ای وجود ندارد که انسان به دنبال دیگری به سوی خطا برود.
5. در فرهنگ قرن اول، دیدگاه یکسانی درباره ازدواج وجود نداشت، اما معمولاً شوهر بر همسر اقتدار یک‌جانبه داشت.
6. دستورهای پولس به زنان که تسلیم باشند و به شوهران که محبت کنند، تا اندازه‌ای از ملاحظات عملی ناشی می‌شوند.
7. پولس اقتدار والدین بر فرزندان را تأیید می‌کند، اما اقتدار برده‌داران بر بردگان را نه. مقایسه سه رابطه در خانواده (همسر با شوهر، فرزند با پدر، برده با ارباب) ثابت نمی‌کند که پولس اقتدار یک‌جانبه شوهر بر همسرش را روا می‌داند.

خلاصه فصل 4: ازدواج تصویری از نجات‌دهنده است: افسسیان 5

1. تنها ازدواج در کمال آفرینش تازه، پیوند میان مسیح و قوم او خواهد بود. پولس در افسسیان 5 تعلیم می‌دهد که ازدواج در عصر کنونی باید به‌عنوان اشاره‌ای به این واقعیت دیده شود. شیوه رفتار شوهر و همسر با یکدیگر را باید بخشی از پیامد این دانست که آنان از روح‌القدس پر می‌شوند تا زندگی‌ای مسیح‌گونه داشته باشند.

2. پولس استعاره «سَر» را به کار می‌برد تا هم رابطه مسیح با کلیسا و هم دعوت شوهر در ازدواج را توصیف کند. در زبان یونانی این استعاره‌ای ثابت با فقط یک معنا نبود، بنابراین معنای آن باید از بافت متن تعیین شود. در افسسیان 1:21-23 تأکید احتمالاً بر فرمانروایی مسیح است و در 4:13-16 بر نجات‌دهنده بودن او. چهار ویژگی نشان می‌دهد که پولس معنای دوم را درباره شوهر به کار می‌برد. این‌ها عبارت‌اند از: (الف) همنشینی (بدل) «سَر کلیسا» و «او خود نجات‌دهنده بدن» در 5:23؛ (ب) موضوع نجات‌دهنده بودن نزد پولس در 5:25-33؛ (ج) استفاده او از کتاب پیدایش در 5:31-32؛ و (د) نخستین واژه 5:24 «*alla*»، «اما»، که تنها در صورتی به گونه‌ای سازگار با بافت متن توضیح‌پذیر است که پولس شوهر را با مسیح به عنوان نجات‌دهنده مقایسه کند و نه به عنوان خداوند.
3. معنای سَر بودن شوهر، چنان‌که از استعاره سَر و بدن و از مقایسه مسیح و کلیسا برمی‌آید، این است که او تعهدی ویژه به از خودگذشتگی محبت‌آمیز برای خیر همسرش دارد. اگر شوهر اصلاً تاجی بر سر داشته باشد، آن تاج خار است.
4. زنان باید چنان رفتار کنند که گویی شوهرانشان سروران آنان‌اند. این بدان معنا نیست که شوهران سروران همسرانشان هستند. پولس به عنوان دلایل تسلیم زن، الگوی مسیح و حرمت نهادن به او (آیات 1-2، 21-22) و نیز مسئولیت شوهر برای خدمت فداکارانه (آیات 22-23) را ذکر می‌کند. دلیلی که بر اقتدار یک‌جانبه شوهر، داده‌شده از سوی خدا، استوار باشد، ذکر نمی‌کند.
5. تسلیمی که پولس در آیه 21 می‌طلبد، تسلیمی داوطلبانه و متقابل میان ایمانداران است. شوهران در رابطه با همسرانشان از آن مستثنا نیستند.
6. پولس، به همان معنای محدود و ویژه‌ای که در بالا توضیح داده شد، میان مسئولیت‌های شوهران و زنان تمایز می‌گذارد. دیدگاه برابری‌گرا که هر تمایز روشنی میان مسئولیت‌ها را رد می‌کند، با کاربرد استعاره سَر و بدن و مقایسه مسیح و کلیسا از سوی پولس هماهنگ نیست.
7. ازدواج‌هایی که بر پایه الگوی افسسیان 5 زیسته می‌شوند، می‌توانند فروتنی عیسی مسیح و محبت فداکارانه او به کلیسایش را به شیوه‌ای شگفت‌انگیز به تصویر بکشند.
8. به نظر می‌رسد پولس رهبری مشترک خانه را در نظر دارد و تعیین نمی‌کند که مسئولیت خانواده چگونه باید میان مردان و زنان تقسیم شود.

خلاصه فصل 5: آفرینش و زندگی: پیدایش 1-3 و فراتر از آن

1. تفسیر مکمل‌گرا از پیدایش 1-3، که از اقتدار رهبری مرد دفاع می‌کند، هیچ پشتوانه صریحی در متن کتاب مقدس ندارد. این تفسیر بر استنتاج‌هایی استوار است که در بهترین حالت نامطمئن‌اند. هیچ‌یک از آن‌ها ناگزیر از متن برنمی‌آید.
2. مرد یا زن بودن واقعیتی است که با آفرینش داده شده است. زن چنین تصویر می‌شود که آفریده شده تا متحدی نیرومند برای مرد باشد. این به تمایزی روشن میان مرد و زن اشاره دارد.
3. متن پیدایش این تمایز را تعریف یا شرح نمی‌دهد. این متن این امکان را باز می‌گذارد که بخش‌های دیگر کتاب مقدس مسئولیت‌هایی را در رهبری نشان دهند. اما هیچ فرمانروایی‌ای برای مرد بنیان نمی‌نهد.

- فرمانروایی مرد بر همسرش، چنان که در پیدایش 3:16 توصیف شده، به عنوان پیامد منفی سقوط تصویر می شود. این چیزی نیست که باید آگاهانه ادامه یابد یا حتی تشدید شود.
4. هیچ متنی در عهد عتیق وجود ندارد که بگوید شوهران باید بر همسرانشان اقتدار اعمال کنند.
5. کتاب مقدس تقسیم معینی از نقش های مرد و زن در رسیدگی به خانواده تجویز نمی کند. توصیف زن صالحه در امثال 31، که هم معاش را به دست می آورد و هم خانه را اداره می کند، تصویری آرمانی در محیطی تاریخی و فرهنگی معین ترسیم می کند. شرایط زندگی، توانایی ها و عطایای انسان ها متفاوت است. اینکه امثال 31 را دستوری الزام آور بدانیم، به معنای بدفهمیدن متن خواهد بود.
6. تعلیم درباره آفرینش نمی تواند پاسخی نهایی به پرسش ازدواج مسیحی بدهد، زیرا باید از پرسش «خدا آفرینش نخستین را پیش از سقوط چگونه سامان داد؟» فراتر برویم و نیز بپرسیم: «مقصود خدا برای انسان های رستگار شده چیست؟» و «با توجه به این مقصود، اکنون چگونه باید زندگی کنیم؟»
7. بنیان گذاری ازدواج در پیدایش 2:24 اهمیت روحانی دارد، زیرا پیشاپیش به پیوند مسیح و کلیسایش اشاره می کند (افسسیان 5:31). حتی اگر تفسیر مکمل گرا از پیدایش 1-3 درست بود، از آن نتیجه نمی شد که در مسیح مرد باید بر زن فرمانروایی کند. رستگاری در مسیح ایمانداران را به پیش، به سوی آفرینش تازه، می برد، نه به عقب، به دوران پیش از سقوط.
8. نمونه هایی از عهد عتیق که در آن ها زنان با تأیید خدا رهبری می کنند، با این سازگار نیستند که اصلی وجود داشته باشد که بر پایه آن زنان هرگز نباید مردان را رهبری کنند یا بر آنان اقتدار اعمال کنند.

خلاصه فصل 6: تسلیم و احترام: اول پطرس

1. نگرش پطرس به زندگی مسیح محور است. نمونه محبت فروتنانه و تسلیم خداوند ما در نامه اول پطرس به روشنی برجسته است.
2. پطرس در این میان بررسی می کند که این امر چگونه در موقعیت های گوناگونی به کار می رود که در آن ها ایمانداران مسیحی باید به دیگران احترام بگذارند، از جمله در ازدواج.
3. از جمله دلایلی که پطرس برای تسلیم زنان به شوهرانشان ذکر می کند، این هاست: (الف) جذب کردن آنان؛ (ب) روح ملایم خدا را خشنود می کند؛ و (ج) نمونه زنان مقدس گذشته مانند سارا. او به شیوه ای شگفت انگیز و دلگرم کننده تسلیم به خدا – و از این رو تسلیم به شوهرش نیز – را در شرایط دشوار نشان می دهد (6:3-1). قیاس هایی که پطرس برای تسلیم زنان می آورد عبارت اند از: دعوت همه ایمانداران به تسلیم (17:2-15)، دستور به بردگان که حتی به اربابان ناعادل تسلیم باشند (21:2-18)، و نمونه مسیح که خود را تسلیم کسانی کرد که ناعادلانه بر او رنج وارد کردند (24:2-21). در میان دلایل او این نیست که نقشه خدا شوهران را در جایگاه اقتدار یک جانبه بر همسرانشان قرار داده باشد. اگر او این را درست می دانست، این دلیلی بسیار بدیهی برای ذکر کردن می بود. در هیچ جای کتاب مقدس آیه ای نیست که به شوهران دستور دهد بر همسرانشان اقتدار یک جانبه اعمال کنند.
4. شوهران باید «همچنین» رفتار کنند، با ملایمت، و به همسرانشان احترام بگذارند (3:7). این به تسلیم متقابل اشاره دارد.

5. وارث خدای حقیقی خوانده شدن، والاترین جایگاه افتخار ممکن است. مرد و زن به یکسان «وارثان فیض حیات» اند. با ترجمه دقیق، خواندن با دقت و فهم درست، اول پطرس 3:1-7 از اقتدار یک‌جانبه مرد بر زن پشتیبانی نمی‌کند.
6. فرهنگ پدرسالارانه از اول پطرس 3:1-7 سوءاستفاده کرده است. شوهران نباید همسرانشان را مجبور کنند. هر جا خشونت خانگی وجود دارد، باید گام‌هایی برای پایان دادن به آن برداشته شود.
7. تسلیم متقابل در روابط مسیحی با رهبری بجا سازگار است. رهبری مسیحی در کلیسا به معنای اعمال اجبار خشونت‌آمیز بر دیگران نیست. هر جا انضباط کلیسایی لازم باشد، شدیدترین اقدام بجا اخراج از جماعت است – و نه چیزی فراتر از آن.

خلاصه فصل 7: معناهای در حجاب؟ اول قرن‌تین 11

1. آیه اول قرن‌تین 11:3 گزاره‌ای چارچوب‌ساز است که همچون عنوانی بر فراز سخنان پولس درباره دعا کردن و نیوت کردن قرار دارد. استدلال او بر این آیه استوار است.
2. منظور پولس را نمی‌توان با استناد به ظرافت‌های دقیق آموزه تثلیث به طور قطعی یا قانع‌کننده روشن کرد.
3. بررسی‌های واژه‌شناختی نشان می‌دهند که «اقتدار بر» و «سرچشمه» کاربردهای استعاری ممکن **kephalē** (سر) هستند. کاربرد این واژه در جاهای دیگر نمی‌تواند تعیین کند که پولس در این آیه کدام معنا را در نظر دارد. این معنا باید با بررسی بافت متن مشخص شود.
4. تفسیر سلسله‌مراتبی، که دغدغه پولس را اقتدار مردان بر زنان می‌داند، نمی‌تواند درست باشد، زیرا در هشت نکته با متن در تضاد است. به‌ویژه این نکته مهم است: تفسیر سلسله‌مراتبی ناگزیر است کارکرد گزاره چارچوب‌ساز پولس را نادیده بگیرد، آیه 10 را نادرست ترجمه کند و فرض کند که پولس آیه 11 را وارونه نوشته است.
5. در محیط فرهنگی مربوط، موی زنان معمولاً دیده می‌شد و با حجاب پوشانده نمی‌شد (مقایسه کنید با اول تیموتائوس 2:9؛ اول پطرس 3:3). اما رسوم بت‌پرستانه در قرن‌تس رفتار جنسی ننگین، چه دگرجنس‌گرایانه و چه همجنس‌گرایانه، را ترویج می‌کرد و این برای کلیسای قرن‌تس مشکلی بود. موی بلند در مردان، و در زنان موی بلندی که به‌جای آنکه بالای سر جمع شده باشد آزادانه فرو می‌ریخت، هر دو نشانه آمادگی برای چنین رفتاری بودند.
6. خواندن این بخش به‌گونه‌ای که گویی درباره حجاب است، چندین دشواری پدید می‌آورد. پولس درباره شیوه آرایش مو می‌نویسد، نه درباره حجاب زنان. اگر درست ترجمه شوند، آیات 2-16 سراسر درباره آرایش مو هستند، نه درباره حجاب.
7. ترجمه NIV واژه‌های **anēr** و **gunē** را در سراسر این بخش به‌درستی «مرد» و «زن» ترجمه می‌کند، نه «شوهر» و «همسر».

خلاصه فصل 8: مویی که بی‌حرمتی می‌آورد: اول قرن‌تین 11

1. همین که بپذیریم انگیزه‌ی الهیاتی پولس در اول قرن‌تین 11:3 «سرچشمه» است و او از آرایش موی کسانی سخن می‌گوید که در جلسه‌ی پرستشی نبوت می‌کنند یا با صدای بلند دعا می‌کنند، درمی‌یابیم که او استدلالی پیوسته، منطقی و منسجم را پیش می‌برد. دست‌کم ده نشانه وجود دارد که تفسیری بر پایه‌ی سرچشمه و آرایش مو آنچه را پولس می‌نویسد در اساس درست درمی‌یابد. اعتراض‌ها به تفسیری بر پایه‌ی سرچشمه قانع‌کننده نیستند.

2. دغدغه‌ی پولس خودِ مو نیست، بلکه پیام‌ننگینی است که آرایش موی قرن‌تین منتقل می‌کند. رفتار آنان باید مقاصد خدا برای مردان و زنان را، چنان‌که در پیدایش تعلیم داده شده، گرامی بدارد و نه اینکه ننگین و مخالف این مقاصد جلوه کند. در این زمینه مهم است: ازدواج وفادارانه، تک‌همسری و دگرجنس‌گرا از جمله این مقاصد است. پولس بر رستگاری در مسیح نیز تأکید می‌کند: هرچند مرد و زن در آفرینش به واسطه‌ی جنسیتشان از هم متمایزند، در رستگاری در خداوند یکی هستند. مردان و زنان به یکدیگر وابسته‌اند و به سهم یکدیگر نیاز دارند. دعا و نبوت باید از سوی مردان و زنان چنان انجام شود که خدا را گرامی بدارد، خدایی که سرچشمه هم آفرینش و هم رستگاری است.

3. پولس در این بخش هیچ چیز درباره‌ی اقتدار مرد بر زن نمی‌گوید. همچنین هیچ چیز درباره‌ی اینکه برخی وظایف رهبری و تعلیم در کلیسا مختص مردان باشد نمی‌گوید. اگر کسی بخواهد از تصوراتی درباره‌ی اقتدار مرد بر زن و محدودیت خدمت زنان پشتیبانی کند، باید این کار را با استناد به بخش‌های دیگر کتاب مقدس انجام دهد.

خلاصه فصل 9: زنان خاموش؟ اول قرن‌تین 14

1. آیات 34-35 واحدی را تشکیل می‌دهند که از آیه 33 جداست. آیه 33 نباید به دو بخش تقسیم شود و بخشی از آن به آیه 34 پیوند داده شود، چنان‌که در برخی ترجمه‌های جدید دیده می‌شود.
2. محتوای این دو آیه با بافت پیرامونش در تضادی شدید است. این تضاد پرسش‌های تفسیری‌ای پیش می‌کشد که برای آن‌ها راه‌حل رضایت‌بخشی یافت نشده است.
3. به نظر می‌رسد پولس می‌گوید که خاموشی زنان با فرمانی از سوی خداوند عیسی مقرر شده است. این معمای دیگری است.
4. از آنجا که برای این معماهای تفسیری راه‌حل رضایت‌بخشی وجود ندارد، نمی‌توانیم بگوییم درباره‌ی این آیات چه باید بیندیشیم. به‌ویژه نمی‌توانیم داوری کنیم که آیا محدودیتی بر سخن گفتن زنان، که بر بخشی ناشناختنی از عهد عتیق (آیه 34) و بر دلایل فرهنگی (آیه 35) استوار است، باید برای کلیساها در زمان‌ها و فرهنگ‌های دیگر نیز معتبر باشد یا نه.

خلاصه فصل 10: خاموشی افزوده‌شده؟ اول قرن‌تین 14

1. ایمان به اینکه کتاب مقدس در شکل اصلی‌ای که داده شده، مکاشفه‌ی خداست، دانشوران مسیحی را موظف می‌کند که تا جای ممکن اطمینان یابند کلیسا از نسخه‌های دقیق استفاده می‌کند و خطاهای نسخه‌برداری یا تغییرات غیراصیل را الزام‌آور نمی‌شمارد.

2. متنی که در کتاب مقدس‌های امروزی ما به‌عنوان اول قرن‌تین 34:14-35 چاپ شده، احتمالاً اصیل نیست. بهترین توضیح برای مجموع شواهدی که اکنون در دسترس است این است که کسی جز پولس آیات 34-35 را به‌عنوان یادداشتی حاشیه‌ای (گلوُس) یا تفسیری در حاشیه نوشته است. نسخه‌برداران این یادداشت حاشیه‌ای را به اشتباه بخشی از نامه اصلی پنداشتند و آن را وارد متن اصلی کردند، اما مطمئن نبودند که آن را در کجا باید جای دهند. آنان آن را در دو جای مختلف گذاشتند (برخی پس از آیه 33، برخی دیگر پس از آیه 40).

3. این توضیح با همه شواهد موجود، چه بیرونی و چه درونی، سازگار است. با هیچ شاهد معتبری در تضاد نیست. هر مسئله تاریخی و تفسیری مربوط به این آیات را حل می‌کند، از جمله همه ویژگی‌های مهم یافته‌ها در دست‌نوشته‌ها. هیچ توضیح دیگری این معیارها را برآورده نمی‌کند.

خلاصه فصل 11: تعلیم دادن و اول تیموتائوس 2: دشواری‌ها

1. هدف دستورهای پولس در نامه اول تیموتائوس، مبارزه با تعلیم نادرست و بی‌دینی و پیشبرد تعلیم درست و دینداری در مسیح است.
2. درباره معنای محدودیتی که پولس در اول تیموتائوس 11:2-15 بر زنان می‌گذارد، بحث وجود دارد. از بزرگ‌ترین دشواری‌هایی که همه مفسران باید با آن‌ها روبه‌رو شوند، این‌هاست: (الف) ناقص بودن اطلاعات ما درباره اوضاع افسس، (ب) نامطمئن بودن معنای فعل کم‌کاربرد *authentēō* در آیه 12 و (ج) فشرده‌نویسی پولس در بخش تعیین‌کننده.
3. بحث درباره معنای محدودیت پولس رقابتی میان تفسیری مطلق و همگانی و تفسیری مشروط و محدود نیست. هر دو طرف می‌پذیرند که مقصود پولس باید به نحوی محدود باشد تا با تأیید تعلیم دادن زنان از سوی او سازگار گردد. محل اختلاف، نوع محدودیتی است که او در نظر داشته است.
4. برابری‌گرایان پیشنهاد کرده‌اند که محدودیت پولس در آیه 12 به رفع مشکلی معین و گذرا در افسس محدود است. اما برایشان دشوار بوده است که توضیحی از منظور پولس بیابند که هم با شواهد موجود درباره رویدادهای واقعی افسس و هم با جزئیات آنچه پولس می‌نویسد جور درآید. من به چهار پرسش دشوار اشاره کرده‌ام که تفسیرهای برابری‌گرا به سختی می‌توانند به آن‌ها پاسخ دهند.
5. مکمل‌گرایان استدلال می‌کنند که دغدغه پولس در آیه 12 این است که چه کسی در کلیسا تعلیم مقتدرانه می‌دهد. اما این دیدگاه با دشواری‌های جدی همراه است. از جمله آن‌ها موارد زیرند:
 - «اجازه نمی‌دهم» / «در حال حاضر اجازه نمی‌دهم» شیوه بیانی عجیبی می‌بود برای وضع قاعده‌ای دائمی که برای همه جلسات عمومی کلیسا در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها معتبر باشد. محدودیت پولس به افراد معینی مربوط است که زیر حوزه مسئولیت او قرار دارند. این شیوه بیان در هیچ جای دیگر کتاب مقدس برای وضع قاعده‌ای دائمی به کار نرفته است. اصلی همگانی تنها در صورتی قابل استنتاج است که آیه 13 را استناد پولس به اصلی برآمده از آفرینش بفهمیم.
 - پولس در هیچ جا به روشنی نمی‌گوید که رهبری کلیسای محلی باید منحصرآ در اختیار مردان باشد. اگر پولس در آیه 12 می‌خواست اقتدار رهبری مردان را حفظ کند، می‌بایست زنان را از نبوت کردن برای مردان نیز منع می‌کرد؛ اما او در نامه اول قرن‌تین این را اجازه داده است.

- کتاب مقدس به صراحت فعالیت ویژه‌ای به نام «تعلیم مقتدرانه» را به رسمیت نمی‌شناسد که از دیگر فعالیت‌های تعلیمی مسیحی متمایز باشد و به گروه معینی از مردان سپرده شده باشد.
- اگر پولس واقعاً بر این نظر است (چنان‌که مکمل‌گرایان ادعا می‌کنند) که پیدایش 2 اصلی برآمده از آفرینش درباره رهبری مقتدرانه مرد را تعلیم می‌دهد که برای کلیسا معتبر است، آنگاه این اصل باید برای کل زندگی معتبر باشد. اما خود مکمل‌گرایان با این امر مخالفت می‌کنند، چون در به کار بردن آن در چنین گستره‌ای تردید دارند. تحلیل آنان توضیح قانع‌کننده‌ای به دست نمی‌دهد که چرا پولس به پیدایش استناد می‌کند.

6. این بحث به بن‌بست رسیده است. آغازی تازه لازم است. بیشتر مفسران هر دو طرف فرض کرده‌اند که پولس در اول تیموتائوس 2 دستورهای به‌ویژه برای رفتار در جلسات عمومی کلیسا می‌دهد. اما این با جزئیات آنچه پولس می‌نویسد جور در نمی‌آید. برای بیرون آمدن از این بن‌بست، نخست باید دریافت که فصل 2 معطوف به جلسه عمومی کلیسا نیست.

خلاصه فصل 12: تعلیم دادن و اول تیموتائوس 2: کلیدهای از بافت متن

1. چهار کلید راه را به سوی تفسیری از 2:9-15 می‌گشایند که کاملاً در بافت ادبی و تاریخی ریشه دارد. کلید نخست این است که اطمینان یابیم این آیات را واقعاً در بافت 1:1-2:8 می‌خوانیم. کلید دوم این است که دو بخش طولانی‌تر درباره زنان در نامه اول تیموتائوس را با هم بررسی کنیم. وقتی ببینیم از 3:5-16 درباره بافت تاریخی چه می‌توان دریافت، بیشتر خود را در جایگاه تیموتائوس، نخستین خواننده این نامه، قرار می‌دهیم. این امر به فهم ما از 2:9-15 کمک فراوانی می‌کند. کلید سوم این خواهد بود که معنای *authentēō* را نخست به طور موقت از بافت متن تعیین کنیم و سپس آن را با گستره معنای ممکن بسنجیم. کلید چهارم این خواهد بود که به نشانه‌های راهنمایی توجه کنیم که پولس در آیه 15 برپا می‌کند.

2. اطلاعات درباره پیشینه تاریخی کلیسای افسس محیطی را نشان می‌دهد که در آن فنون جادویی و طالع‌بینی رواج داشت. پولس در نامه‌اش به جادو و اندیشه‌های طالع‌بینانه اشاره می‌کند. جادوگری و طالع‌بینی جزو تعلیم نادرستی است که در افسس رواج دارد. ایستادگی در برابر این تأثیرات، جنگی روحانی با قدرت‌های نادیدنی شریر است.

3. دغدغه پولس در آیات 11-12 زنان ثروتمند معینی است که رفتار خدانشناسانه آنان هشدارهای تند او را در آیات 9-10 برانگیخته است. آنان بیکاره‌اند. لباسی ناشایست و با تجملی اسراف‌آمیز می‌پوشند. خانه به خانه می‌گردند، هر یک در جست‌وجوی مردی که هوس‌های جنسی‌اش را ارضا کند، و تعلیم نادرست را می‌پراکنند. به جای آن، این زنان باید بیاموزند که کارهای نیکو انجام دهند، در تسلیم کامل به خدا، و زندگی‌ای آرام و خداترسانه داشته باشند. این زنان زیر نفوذ شریرند. به نظر می‌رسد آنان همان معلمان زن تعلیم نادرست‌اند که هنوز در کلیسا مانده‌اند و تیموتائوس باید به کارشان رسیدگی کند. او باید آنان را توبیخ کند و مراقب باشد که هیچ‌یک از آنان، پیش از آنکه زندگی تازه و منش دگرگون‌شده خود را ثابت کرده باشد، مقام یکی از مشایخ یا شماس زن را در کلیسا بر عهده نگیرد.

خلاصه فصل 13: تعلیم دادن و اول تیموتائوس 2: استدلال پولس

1. اگر کلید سوم را به کار ببریم، به نظر می‌رسد *authentēō* در بافت اول تیموتائوس 2:9-12 به معنای «چیره شدن بر» باشد. منظور پولس این است: «به زنی که تعلیم نادرست می‌دهد و لباسی گران بها و ناشایست بر تن دارد، بی‌حیا و بی‌خویشتن‌داری، اجازه نمی‌دهم که مردی را تعلیم دهد و بر او چیره شود: او باید آرام و با حرمت باشد و بیاموزد که مطابق حقیقت رفتار کند، در تسلیم کامل به خدا.»
2. این تفسیر به آسانی توضیح می‌دهد که چرا پولس در آیات 13-14 به پیدایش ارجاع می‌دهد. پولس سخن خود در آیات 11-12 را با بازگشت به نخستین جنگ روحانی‌ای که کتاب مقدس گزارش می‌کند مؤکد می‌سازد: در آنجا زنی از سوی شیطان فریب خورد، چنان‌که دانشی ممنوع را پذیرفت؛ او مردی را به نادرستی تعلیم داد و بر او چیره شد - با پیامدهایی وخیم.
3. پولس این واژه کم‌کاربرد را برمی‌گزیند، زیرا در سنت طالع‌بینی به همین معنا به کار می‌رود؛ این سنت بخشی از تعلیم نادرستی است که زنان ثروتمند می‌پراکنند. این واژه با جادوگری و با مرگ، یعنی نقطه مقابل رستگاری، نیز پیوند دارد.
4. این خط تفسیری معنای آیه 15 را روشن می‌کند که به‌طور سنتی آیه‌ای دشوار شمرده می‌شود. این آیه از رستگاری‌ای سخن می‌گوید که با تولد مسیح موعود پدید می‌آید، با نیم‌نگاهی به باورهای آیین آرتمیس.
5. اگر کلید چهارم را به کار ببریم، می‌بینیم که پولس در آیه 15 دو نشانه راهنما برپا می‌کند. او به خواننده نشان می‌دهد که «زن» در آیات 11-12 («او ... خواهد» در آیه 15) را با «زنان» در آیات 9-10 («بمانند» در آیه 15) یکی می‌داند. این تأیید می‌کند که دستور پولس در آیات 11-12 قرار است به زنان آیات 9-10 مربوط باشد. افزون بر این، او واژگانی غیرمعمول به کار می‌برد تا پیوند زبانی و موضوعی چشمگیری میان 2:15 (*teknogonia*) و 5:14 (*teknogoneō*) برقرار کند. این نیز تأیید می‌کند که خوانندگان وقتی سخنان او درباره زنان در فصل 2 را در کنار سخنانش درباره زنان در فصل 5 بخوانند، بافت متن را بهتر درک می‌کنند.
6. تفسیر بالا در رشته فکری پیوسته و منسجم پولس جای می‌گیرد که از فصل 1 آغاز می‌شود و در سراسر نامه ادامه دارد. این تفسیر نشان می‌دهد که فصل 2 چگونه به فصل 3 می‌رسد. افزون بر این، به چهار پرسش دشوار درباره 2:12 که در بالا در فصل 11 به آن‌ها اشاره کردم، پاسخ می‌دهد.
7. بخش اول تیموتائوس 2 نه ممنوعیتی کلی برای تعلیم دادن زنان در کلیسا را توجیه می‌کند و نه ممنوعیتی کلی برای اعمال اقتدار از سوی زنان در کلیسا را.

خلاصه فصل 14: زنان در مقام رهبران کلیسا؟ مروری کتاب مقدسی

1. قاعده‌ای که بر پایه آن تنها مردان مجازند کلیسا را رهبری کنند، نه با اول قرن‌تین 34:14-35 قابل توجیه است و نه با اول تیموتائوس 11:2-15.
2. اینکه عیسی دوازده مرد یهودی را به رسالت برگزید، تعیین نمی‌کند که چه شرایطی برای رهبری کلیسای محلی لازم است.

3. در عهد عتیق، تعلیم تا اندازه زیادی، اما نه منحصرآ، بر عهده کاهنان بود. کارکرد کهناتی به واسطه عیسی به کمال رسیده است؛ و در مسیح همه ایمانداران «کاهن» اند. اگر کسی بخواهد کهنات را با رهبری یا با وظیفه تعلیم یکی بداند، پس اکنون وظایف رهبری و تعلیم به طور بالقوه برای تمام قوم خدا، بدون تفاوت جنسیت، باز است.
4. در فصل‌های 4، 5، 7 و 8 تصورات درباره «سَر بودن» را بررسی کردیم. افسسیان 5، پیدایش 1-3 و اول قرنتیان 11 از هیچ محدودیتی برای خدمت زنان پشتیبانی نمی‌کنند.
5. رهبری کلیسا و تعلیم دادن در کلیسا ممکن است با هم همپوشانی داشته باشند؛ اما دو فعالیت متفاوت‌اند. ممنوعیت تعلیم برای زنان ثابت نمی‌کرد که زنان نمی‌توانند از مشایخ شوند. برعکس، اجازه تعلیم دادن به زنان ثابت نمی‌کند که آنان می‌توانند از مشایخ شوند.
6. زنان در کلیسای نخستین نقش‌های برجسته‌ای بر عهده داشتند. آنان سهمی تعیین‌کننده داشتند و بیرونیان نیز آنان را چنین می‌دیدند. اما این به ما با جزئیات نمی‌گوید که آیا زنان در کلیساهای محلی در جایگاه‌های رسمی رهبری گماشته می‌شدند یا نه.
7. باید مراقب بود که شواهد عهد جدید درباره فعالیت‌ها و نقش‌های زنان را نه بیش از اندازه و نه کمتر از اندازه ارزیابی کنیم. برای نمونه، نمی‌توان ثابت کرد که فیبی در کلیسایی نقش رهبری داشته است؛ از سوی دیگر، با اطمینان زیاد می‌توانیم بگوییم که یونیا رسولی (زن) برجسته در کار بشارتی بود.
8. در عهد جدید هیچ زنی را با نام نمی‌یابیم که بتوان او را با اطمینان عملی از مشایخ دانست. اما همین امر درباره مردان نیز صادق است، جز در موارد خاص (پطرس و یوحنا). اگر جست‌وجوی خود را به احتمالات گسترش دهیم، می‌توانیم هم مردان و هم زنان را شناسایی کنیم – مگر آنکه ممنوعیتی صریح برای منصب مشایخ برای زنان وجود داشته باشد.
9. در بافت تاریخی و فرهنگی اندیشه و زندگی عهد جدید، به طور عمومی فرض نمی‌شد که تنها مردان می‌توانند از مشایخ باشند. اگر رسولان قصد داشتند که زنان هرگز در رهبری کلیسا مشارکت نکنند و به عنوان مشایخ خدمت نکنند، می‌بایست این را به روشنی می‌گفتند تا برای آینده به کلیسا جهت بدهند. اما بخش‌هایی که از مشایخ یا رهبران سخن می‌گویند، مانند اعمال رسولان 14:23؛ اول پطرس 5:1-5؛ عبرانیان 13:17، هیچ گزاره‌ای ندارند که منصب مشایخ یا رهبری را به مردان محدود کند.

خلاصه فصل 15: زنان در مقام مشایخ؟ اول تیموتائوس 3

1. مفصل‌ترین دستورها درباره گماشتن مشایخ در فهرست‌های شرایط منصب مشایخ یافت می‌شوند که پولس تنظیم می‌کند (اول تیموتائوس 3:1-7؛ تیتوس 1:5-9). برخلاف تصویری که بیشتر ترجمه‌های انگلیسی پدید می‌آورند، این فهرست‌ها در متن یونانی هیچ کنار گذاشتن روشنی برای زنان در بر ندارند. دانشوران سرشناس مکمل‌گرا این را می‌پذیرند. این بخش‌ها (به ویژه اول تیموتائوس 3) نشانه‌هایی مثبت در بر دارند که زنان می‌توانند شرایط «مشایخ» را دارا باشند، به همان معنایی که عهد جدید این اصطلاح را به کار می‌برد.
2. اصطلاح «شوهر یک زن» که پولس در اول تیموتائوس 2:3 و تیتوس 1:6 به کار می‌برد، ناظر به وفاداری به اخلاق جنسی مسیحی است و باید به طور عام فهمیده شود، چنان‌که «زن یک شوهر» را نیز

در بر بگیرد.

3. یکی از وظایف تعیین‌کنندهٔ مشایخ یا کشیشان این است که نگاهبانان گله باشند. از این نتیجه نمی‌شود که تنها مردان باید مشایخ یا کشیش باشند. اگر «شوهر یک زن» را به‌طور عام بفهمیم، همهٔ هفده شرطی که پولس در اول تیموتائوس 3:1-7 برمی‌شمارد، ویژگی‌ها و رفتارهایی‌اند که هم در مردان و هم در زنان یافت می‌شوند. همین ویژگی در فهرست متناظر در تیتوس 1:5-9 نیز دیده می‌شود.
4. خلاصه اینکه: کتاب مقدس از ممنوعیتی کلی برای اینکه زنان از مشایخ کلیسا شوند پشتیبانی نمی‌کند. همچنین ممنوعیتی برای اینکه زنان هر وظیفهٔ دیگری را در کلیسای محلی بر عهده بگیرند وجود ندارد. مکمل بودن (تکمیل یکدیگر) مردان و زنان نشان می‌دهد که داشتن هم مردان و هم زنان در رهبری سودمند است.
5. در فصل‌های 11 تا 15 توضیح دادم که اول تیموتائوس 2-3 برای تعلیم دادن زنان و برای زنان در منصب مشایخ چه معنایی دارد. این توضیح شواهد موجود عهد جدید و اطلاعات مربوط به بافت تاریخی و فرهنگی را در نظر می‌گیرد؛ سادگی‌ای دارد که بدون گمانه‌زنی‌های بی‌پشتوانه پیش می‌رود؛ و بر حوزه‌های دیگری فراتر از کانون مستقیم پژوهش ما نیز پرتو می‌افکند. این سه ویژگی دلیلی برای اعتماد به آن به دست می‌دهند.

خلاصهٔ فصل 16: جمع‌بندی و نزدیک‌تر شدن به یکدیگر

1. نتایجی که در فصل‌های 2 تا 15 به دست آمد، از دیدگاهی دربارهٔ ازدواج پشتیبانی می‌کنند که سلسله‌مراتبی نیست و تا اندازه‌ای مکمل‌گرا است؛ در عین حال، هر ممنوعیت کلی برای تعلیم دادن یا رهبری زنان در کلیساها را رد می‌کنند.
2. مفهوم تسلیم باید در چارچوب تناقض‌نمای مسیحی فروتنی و برابری فهمیده شود. همهٔ کسانی که به قوم خدا تعلق دارند، وارثان برابر فیض بی‌کران او هستند. به سبب الگوی عیسی مسیح، فروتنی در کانون زندگی مسیحی قرار دارد.
3. نتایج ما به پیش‌فرض‌هایی وابسته نیستند دربارهٔ اینکه آفرینش یا آفرینش تازه هر یک تا چه اندازه باید رفتار ایمانداران را هدایت کند. اما به‌خوبی با وضعیت کنونی سازگارند که در آن آفرینش (به‌عنوان پس‌زمینه) و آفرینش تازه (به‌عنوان پیش‌زمینه) بر هم منطبق‌اند.
4. شوهران فراخوانده شده‌اند که به همسرانشان خدمت کنند، نه اینکه بر آنان فرمانروایی کنند. فراخواندن زنان به رهبری کلیسا با کتاب مقدس در تضاد نیست. دلیلی برای این نگرانی وجود ندارد که این فراخواندن‌ها به آشفتگی در هویت جنسی بینجامد.
5. برخی تفسیرها نارسا هستند، چون مفسر انتظارات بسیار اندکی از کتاب مقدس داشته است. مطالعهٔ دقیق متون باید به قدردانی تازه از نویسندگان کتاب مقدس بینجامد – برای جلال خدا.
6. وقتی کلیساها، اتحادیه‌های کلیسایی و دیگر مجامع ادعا می‌کنند که انجیلی هستند، با این کار تعهد خود را به اطاعت از آنچه عهد جدید دربارهٔ وحدت می‌گوید به رسمیت می‌شناسند.

7. در حال حاضر در هر دو طرف این بحث متأثر از جناح‌بندی، کاستی‌هایی وجود دارد. اختلاف نظرها در تفسیر، کار بیشتری را برای رسیدن به وحدت می‌طلبد.

8. ادعای برابری‌گرایان مبنی بر اینکه مکمل‌گرایان از انگیزه‌های پست رانده می‌شوند، باید کنار گذاشته شود.

9. مکمل‌گرایان باید درک خود از این بحث را از نو جهت دهند. دیدگاه‌های برابری‌گرا درباره ازدواج یا خدمت زنان به لیبرالیسم الهیاتی نمی‌انجامند. در میان ایماندارانی که اقتدار کتاب مقدس را می‌پذیرند، پرسش‌های تعیین‌کننده پرسش‌های اطاعت از کتاب مقدس نیستند، بلکه پرسش‌های تفسیرند که باید با روش‌های راست‌گیشانه حل شوند. زمان آن رسیده است که مکمل‌گرایان از این ادعا دست بردارند که مخالفت انجیلی با تفسیرهای مکمل‌گرا اقتدار کتاب مقدس یا حقیقت انجیل را به خطر می‌اندازد.

10. عیسی برای وحدت کسانی که از او پیروی خواهند کرد دعا می‌کند (یوحنا 17:11، 20-23)، تا جهان بداند که پدر او را فرستاده است. در نگرشی مسیح‌محور به جهان، این هدفی بسیار مهم است. دستور رسولان که برای حفظ وحدت از هیچ کوششی دریغ نکنیم، گفت‌وگویی تازه بر پایه احترام متقابل را می‌طلبد. کسانی که درباره رهبری یا خدمت زنان مواضع متضادی گرفته‌اند، باید بپذیرند که این یک مسئله بنیادین انجیل نیست؛ باید استدلال‌های کتاب مقدسی را از نو بسنجند، مراقب باشند که تنها روش‌های تفسیری استوار را به کار ببرند، و بیش از همه به بافت متن و رشته فکری بخش‌های مربوط توجه و وزن بیشتری بدهند. در این میان، باید یکدیگر را بپذیریم، چنان‌که خداوند همه ما را پذیرفته است (رومیان 15:7).